

به نام خدا

گزارش اولین مجمع گروه علوم اجتماعی منطقه ۴

اولین مجمع گروه علوم اجتماعی منطقه ۴ شهر تهران در تاریخ ۹۴ / ۹ / ۲۵ در دبیرستان شهید صدیقه رود باری برگزار گردید.

در این جلسه استاد مدعو دکتر شریفی یزدی پیرامون "نقد ارزش های فرهنگ غرب" سخنرانی نموده و در پایان به سؤالات همکاران پاسخ دادند.

شرکت کنندگان دبیران علوم اجتماعی، فلسفه و دین و زندگی بودند.

گزیده ای از سخنان ارائه شده :

قبل از رنسانس در مغرب زمین با یک تاریک اندیشی مواجه هستیم. رنسانس برخورد با تفکر مسیحیت است. رنسانس برای غرب دستاوردهای خوبی داشته است. مقوله هایی مانند زیست شناسی، کیهان شناسی و علوم دیگر همه محصول تلاشی است که بعد از رنسانس با تعریف جدید به دست آمده است. در حوزه تفکر و اندیشه اتفاقی می افتد که در هیچ دوره ای سابقه نداشته؛ حوزه تفکری که بشر را از آسمان جدا می کند. ادیان جای خود را به تفکرات جدید می دهند تفکراتی که دنیا گرایی و لذت طلبی اساس آن است.

بسیاری از فلاسفه انسان را محور می دانند و بحث هیومنیسم (اومانیزم) شکل می گیرد یعنی انسان گرایی یا انسان پرستی. این مسیر تا قرن هیجدهم ادامه می یابد. (دنیاگرایی با محوریت لذت طلبی).

انسان بریده از گذشته خویش در دوران مدرنیته، لذت، اساس زندگی اش می شود و ساز و کار مناسب با این ایده خودش را پیدا می کند. از آن جا که انسان موجودی است چند بعدی از دهه اول قرن بیستم شاهد ظهور نحله ها و مکتب های فکری در غرب هستیم که نهایتا به پوچ گرایی می انجامد.

به قول نیچه ورود در قرن بیستم یعنی انسان بدون خدا. در این قرن پوچ گرایی به عنوان دیدگاه مسلط خود را نشان می دهد. این بحران در دو جنگ اول و دوم جهانی خود را نشان می دهد. (تفکر نازیسم و فاشیسم).

فاجعه بارترین قرن بشر قرن ۲۰ است. علیرغم توسعه و پیشرفت بسیار، چه شد که انسان قرن ۲۰ در چنین ورطه ای از سیاهی گرفتار آمد؟

فقدان معنا و معنویت، هسته همه بیماری‌هایی بود که انسان را در خودش فرو برد. همان بیان نیچه که می‌گوید خدا را کشتیم.

و این بحران است که ما را به سوی پست مدرن می‌کشاند. این انسان سرگشته بعد از ۱۰۰ سال که به دور خودش گشته و نگاه به ماوراءالطبیعه از او زدوده شده، معنویت‌گرایی از او جدا شده حال می‌خواهد به سوی معنویت برگردد. اینجاست که به کج راه می‌رود مانند شیطان پرست‌ها.

"سکولاریسم دینی" دو مفهوم متضاد است. سکولاریسم دینی نقطه اوج بحران معنویت است که از اواسط قرن ۲۰ آغاز شده و در وهاب‌گرایی و داعش خود را نشان می‌دهد. این‌ها محصول جهان مدرن است ولی ضد مدرنیته. در نتیجه دین هم تعریف جدیدی پیدا کند.

نگرش القاعده‌ای، بدون و نوعی هستی‌شناسی است. مرید و مراد دارد. ایدئولوگ دارد. از اواخر قرن ۲۰ و ابتدای ۲۱ در تعریف جدید از معنویت نتیجه‌اش همین تفکر داعش می‌شود و این پدیده، محصول گرفتن معنویت واقعی از انسان است. انسان نیاز به معنویت دارد و نمی‌توان آن را از انسان گرفت. انسان تشنه‌ای که معنویت را می‌خواهد ولی سرچشمه‌هایش را خشکانده‌اند.

پرداختن به رو‌بناها برای ما شایسته نیست انسان بدون معنویت کامل نیست. معنویت ابزار دنیاگرایی نیست اگرچه به دنیا نگاه مثبت دارد.

ما باید به سمت عقلانیت و معنویت برویم. عقلانیت نوعی نگاه جمعی است. عقلانیت است که فردیت را به جمع - گرایایی تبدیل می‌کند.